

## آئین بودایی در ایران و ارتباط آن با اسلام<sup>۱</sup>

و. و. بارتلد

### ترجمه لیلا عسگری\*

**چکیده:** مقاله آئین بودایی در ایران و ارتباط آن با اسلام در سال ۱۹۳۳ پس از درگذشت مؤلف، برای نخستین بار به زبان روسی در مجموعه مقالات آکادمیک بارتلد منتشر شد. در این مقاله مؤلف بر اهمیت آئین بودایی ایرانی که در طول چندین سده در کنار دین زرتشتی رواج داشته و تأثیر بسیار عمیقی بر فرهنگ و هنر اقوام ایرانی گذاشته، تأکید کرده است. این نظر در طول سی ساله اخیر، آنگاه که آثار بودایی متعددی در افغانستان و نیز در بسیاری از مناطق آسیای مرکزی یافت شد و نیز زمانی که تأثیر سنت‌های بودایی در هنر همه اقوام ایرانی شرقی مشخص شد، به اثبات رسید.

**کلیدواژه:** آئین بودایی ایرانی، اسلام، دین زرتشتی.

در سده‌های نخست هجری این واقعیت دیگر کاملاً از یادها رفته بود که دولت ساسانی و دین رسمی آن زرتشتی، هرگز سراسر سرزمین ایران را در بر نمی‌گرفت. در واقع در کنار دین زرتشتی، آئین بودایی ایرانی نیز وجود داشته است. تأثیری که این آئین بعدها بر

1. В.В. Бартольд. Иранский буддизм и его отношение к исламу» («آئین بودایی در اسلام») in: Академик В.В. Бартольд сочинения. том VII Работы по исторической географии и истории Ирана 1971, Москва: Изд. Восточная литература. 469-472.

\* عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

روی فرهنگ ایرانی گذاشت، ابدأ کم اهمیت نبوده است. همانگونه که در جایی دیگر اشاره کردام، هم علمای اسلامی ایران و هم دانشمندان معاصر هم داشتند که دو خاندان بر مکیان و سامانیان سنت‌های ساسانیان را احیا کردند. این دو خاندان از بلغ برآمده بودند، یعنی ناحیه‌ای که احتمالاً دوران حکومت ساسانیان در آن کوتاه بوده و دین زرتشتی نیز هیچ‌گاه مذهب رسمی آن نواحی نبوده است.<sup>۱</sup>

همانگونه که از روایت زائر چینی سوان تسان<sup>۲</sup> (حدود ۶۳۰) پیداست، اندکی پیش از حمله اعراب، دین زرتشتی در برخی نواحی (مثلًا سمرقند)، دین بودایی را واپس نشانده بود. با این همه در بسیاری از نقاط، به ویژه از جنوب تا شمال چیرون، بودیم همچنان در اوج شکوفایی بوده و ظاهرًا فقط زیر بار حضور اسلام رفته بوده است. بنابر روایت شاهنامه دقیقی، معبد نوبهار، نزدیک بلخ پیش از به تخت نشستن گشتاب و پذیرش دین زرتشتی نیز معبد و محل عبادت بوده است. به گفته بیرونی، در روزگار زرتشت آئین بودایی در تمام پارس و بین النهرين تا مرز سوریه گسترده بود. زرتشت از آذربایجان به بلخ رفت و در آنجا گشتاب را به دین خود درآورد؛ شاهزاده اسفندیار، فرزند گشتاب، آئین تازه را، هم به یاری شمشیر و هم به طریقی مسالمت‌آمیز در شرق و غرب گسترانید و در همه کشورها، از مرز چین تا امپراتوری روم، آتشکده‌ها بنا نهاد. در

1. Bartold V.V. "Die Persische Šu'ubija und die moderne Wissenschaft", ZA, Bd XXVI (Festschrift für Ignaz Goldziher), 1912, p. 260.

درباره بر مکیان نک:

*Annales quos scripsit Abu Djafar Mohammed ibn Djarir at - Tabari cum aliis ed. M.J. de Goeje, Lugduni Batavorum, series II, t. I-III, 1881-1889.*

درباره پیشینه سامانیان قس:

A.A. Семенов. "К вопросу о происхождении саманидов" (درباره پیشینه سامانیان) in: ТМИАЭ АН ТаджССР т. XXVII. Сталинабад, (1945); B.G. Gafurov, "The rise and fall of Samanids, in *Akten des vierundzwanzigsten internationalen Orientalisten-Kongresses*". München, 28. August bis 4. September 1975, hrsg. von H. Franke, Wiesbaden, 1959.

2. Syuan' Tszan.

3. Histoire de La vie de Hiouen-thsang et de ses voyages dans l'Inde, depuis l'an 629 jusqu'en 654, par Xoēl-li et Yen-thsong; suivie de documents et d'éclairissements géographiques tire de la relation originale de Hiouen-thsang; traduite de chinois par S. julien, Paris, 1853

عهد پادشاهان بعدی دین زرتشتی در پارس و بین التهرين بگانه آئین رسمی شد. بوداییان از این مناطق رانده شده و به نواحی شرقی بلخ کوچ کرده بودند.<sup>۱</sup> رشیدالدین فضل الله در جامع التواریخ به نقل از بیرونی آورده است که تسلط دین زرتشتی سه هزار سال به طول انجامید. در نخستین اثر بیرونی آنیز آمده که بقایای معابد بوداییان در مناطق مرزی میان خراسان و هند را به چشم خود دیده است، بقایایی که ظاهراً می‌بایست مشابه بنای‌های دوران پیش از آئین زرتشتی بوده باشد.

با بررسی بقایای تعدادی از این بنایها مشخص شد که این آثار بازمانده بنای‌های بودایی و مقابر از هنر ساسانی آن شهر بوده‌اند.<sup>۲</sup> در جایی دیگر از همان اثر آمده آن پادشاه از دودمان ساسانیان بوده است.<sup>۳</sup> درباره نام و دوران زندگی و سلطنت او هیچ آگاهی در دست نیست. همانگونه که هر تسفیل اشاره کرده است، در قرن سوم میلادی هنوز برخی از شاهزادگان ساسانی بر نواحی خراسان حکومت می‌کردند و ملقب به کوشان شاه یا کوشان شاهنشاه بوده‌اند. پیروز، پسر بنیان‌گذار سلسله ساسانی، یعنی اردشیر اول (۲۴۶-۲۴۱) نخستین شهریاری است که بر سکه‌ها، خود را مزدابرست و در عین حال ستاینده بودا نامیده است.<sup>۴</sup> از این رو هم آثار معماری و هم سکه‌ها گواهی می‌دهند که

1. Alberuni's India. An account of the religion, philosophy, literature, geography, chronology, astronomy, customs, laws and astrology of India about A.D. 1030. An English Edition, with Notes and Indices, by E.C. Sachau, vol. I-II, London, 1888 (Trübner's Oriental Series) 10 и сл.; قنس: Абурайхан БирУни. Избранные произведения II. Индия; ترجمة: А. Б. Халидов и Ю. Н. Завадовский. Комментарии В.Г. Эрмана и А. Б. Халидова. Ташкент. 1963, 66-67.

2. Chronologie orientalischer Völke von Albérini. Hrsg. von C.E. Sachau, Leipzig, 1878.

3. A. Godard, Y. Godard Hackin *Les antiquités bouddhiques de Bamiyan*. Paris, 1928 (MDAFA, t. II). 74. 4. Ibid, 68.

5. Herzfeld, E. 1924. *Paikuli. Monument and inscription of early history of the Sasanian empire*. vol. I-II, Berlin, (Forchungen zur islamischen Kunst, hrsg. Von F. Sarre, III)

اینک قرائت پیشنهادی هر تسفیل برای نوشته روی سکه‌ها Budayazde (وین بودا) بررسی شده و افزون بر آن مشخص شده که در کتبه‌ها نام بودا نیامده است. در این باره نک:

H.W. Baily, 1965. "Hirahfina," -'Asiatica', 14, n. 21; A.D.H. Bivar, The Kushano-Sassanian coin series, JNSL, vol. VXIII, pt. I, 16, 20; H. Humbach. *Baktrische*

برخورد دو فرهنگ بزرگ، همانگونه که گدار به آن اشاره کرده است، این بار خصم‌مانه نبوده است.<sup>۱</sup>

در سده اول هجری دین زرتشتی، به سان آئین بودایی ایرانی، به اطاعت از دین اسلام گردن نهاد. اکنون بر همه آشکار است که اسلام در آغاز بازرسیان همان گذشتی را اعمال کرد که با مذاهب یهودی و مسیحی؛ و به علاوه در رفتار عرب‌ها در آغاز حمله به پارس، برخلاف روایت‌ها و افسانه‌های زرتشتی، نشانه‌ای از تعقیب و گریز دینی دیده نمی‌شود.<sup>۲</sup> در حکومت اسلام، تحمل بودیسم که نوعی بتپرستی انگاشته می‌شد، غیرممکن به نظر می‌رسید؛ از این رو چنین بر می‌آید که تعامی آثار بودایی در سرزمین‌های اسلامی، احتمالاً متعلق به دوران قبل از حمله اهراب است. این دیدگاه بارها با واقعیت‌هایی که بی در بی در آثار علمی آمده، رد شده است. هنگامی سون گدن<sup>۳</sup> در سال ۱۸۹۶ در نواحی شرقی ختن و برانه‌های شهری بودایی را کشف کرد، به نظر این سیاح رسید که بی‌گمان بنای این شهر به روزگار پیش از حمله اعراب به فرماندهی قتبیه بن مسلم (اوایل قرن هشتم میلادی) بازمی‌گردد.<sup>۴</sup> این نظری است که گویا «بدون یم از مخالفت» می‌توان ادعا کرد.<sup>۵</sup> اکنون بر ما آشکار است که قتبیه بن مسلم هیچ‌گاه تا آن نواحی پیش نرفته بود و اسلام، دین بودایی را به تدریج و مسالمت‌جویانه از ترکستان چین کنونی واپس نشانده بود. پس از کشف تندیس‌های گلی انسان‌ها و جانوران در

*Sprachdenkmäler Teil (mit Beiträgen von A. Grohmann)*, Wiesbaden. 1966. 52.

(همینجا در این نوشته به متابیش از شیوه اشاره کرده، که قدری نایاورانه است). در حال حاضر پژوهشگران تاریخ ضرب سکه‌ها را متعلق به سال‌های ۸۰-۷۰ قرن چهارم میلادی، یعنی قبل از کوشان - ساسانیان تخمین می‌زنند. در این باره نک:

В.Г.. ЛУКОНИН. Кушано-сасанидские монеты ЭВ. XVIII  
۱. نک: پانویس شماره ۲، ص ۷.  
۲. فس.

B. Spuler, *Iran in früh-islamischer Zeit. Politik, Kultur, Verwaltung und öffentliches Leben Zwischen der arabischen und der seldschukischen Eroberung 633 bis 1055*, Wiesbaden, 1952 (Akademie der Wissenschaften und der Literaturen. Veröffentlichungen der Orientalischen Kommission, Bd II).

133-143. 3. Sven Gedin.

4. S. Hedin, *Through Asia*, vol. II. London. 1898. 802.

سمرقند، بی‌گمان نیازی به اثبات این نکته وجود ندارد که آنها فقط متعلق به دوران پیش از اسلام است. به نظر هارتمن دلیلی ندارد که پذیریم این تندیس‌ها پس از سال‌های ۷۱۲ م/۹۹۳ ق به طور پنهانی ساخته شده‌اند.<sup>۱</sup> پیداست که برای ساختن آنها نیازی به پنهان‌کاری نبوده است. این بسته‌ها سه بار در سال و آشکارا در بازار بخارا به فروش می‌رسیدند. نوشی (۲۸۶ ق) در سال ۳۳۲ می‌نویسد که به روزگار او نیز این سنت مرسوم بوده است.<sup>۲</sup> از هیارت «بوده است» برمی‌آید که این تجارت در دوران نگارش کتاب تاریخ بخارا دیگر منسخ بوده، با این همه عملًا تأثیر قرن دهم میلادی (تقریباً ۳۰۰ سال پس از حمله اعراب) در گوش و گناه این شهر اسلامی رواج داشته است. اکنون گدار بدون استناد به دلیل و مدرک خاصی تصور می‌کند که پس از هجوم اعراب، مردم مطیع و صلح‌جو به خاطر مقدسات بودایی در دره بامیان به هلاکت رسیدند و یا مسلمان شدند.<sup>۳</sup> او این دوره را اوایل قرن هشتم میلادی می‌داند.<sup>۴</sup> در حالی که بارها به این واقعیت اشاره شده است که فقط در سال ۸۷۰ م تندیس‌های بتان از بامیان خارج و به بغداد برده شده‌اند.<sup>۵</sup> اعراب هیچ‌گاه در هند به خاطر مبارزه با بتپرستی نجنيگیده‌اند.

1. M. Hartmann. *Archäologisches aus Russisch - Turkestan*, IOLZ, 8 Jg. 1905, 559; B.B. Бартольд. К вопросу об оссуариях Туркестанского края (Материалы по археологии Туркестана), Т. IV, 163, 1908.; B.B. Бартольд. Восточноиранский вопрос (Материалы по археологии Ирана), Т. VII, 433.

2. *Description topographique et historique de Boukhara par Mohammed Nerchakhy, suivie de textes relatifs à la Transoxiane*. Texte persan publié par Ch. Schefer, Paris, 1892 (PÉLOV, III<sup>c</sup>, sér., vol. XIII).

با توجه به اثر الانساب عبدالکریم بن محمد سمعانی همان سال تولد مؤلف. شخصات عکس دست‌نویس مؤلف:

(From the manuscript in the British Museum Add. 23,355 with an introduction by D.S. Margoliouth, Leyden-London, 1912).

[نوشی در متن درباره بازاری سخن گفته که دوبار در سال و در روزهای مشخص برگزار می‌شود] در این باره نک: پانویس شماره ۱ (مطالعی درباره آسوریان ترکستان) ص ۱۶۳ به بعد. ۲. پانویس شماره ۲، ص ۷. ۳. پانویس شماره ۳، ص ۷.

5. *Kitab al-Fihrist*. Mit Anmerkungen hrsg. Von G. Flügel, nach dessen Tode besorgt von J. Roediger und A. Müller. Bd. I: den Text enthaltend, von J. Roediger, Leipzig, 1871. 346.; *Annales*

این واقعیت را شواهد بسیاری اثبات می‌کند که بررسی آنها از حوصله این مقاله بیروز است. از این میان کافی است تا به گفته بلاذری درباره استیلای ناحیه باستانی آثر (۷۱۲م) به فرماندهی محمد بن قاسم اشاره کرد. این شهر تنها به شرط حفظ معبد به سردار سپاه تسلیم می‌شود و محمد بن قاسم نیز موافقت می‌کند و می‌گوید که «مگر معبد شما [برای ما] به سان کلیسا مسیحیان و کنیسه‌های یهودیان و آتشکده‌های معان نیست». او سپس برای آنها خراج معین کرد و مسجد ساخت.<sup>۱</sup>

می‌توان دور از غرض‌ورزی‌ها و براساس پژوهش‌های دقیق تاریخی اثبات کرد که جدال و رقابت ادیان، بی‌رحمانه و خونین نبوده است و برخلاف نظریه مرسوم و رایج در طی تاریخ، با یکدیگر با اغماض رفتار می‌کردند.<sup>۲</sup>

*quos scripsit Abu Djafar Mohammed ibn Djarir Tabari cum aliis ed. M.J. de Goeje, Lugduni Batavorum, series III, t. I-V, 1879-1890. 1841.; W. Bartold, Zur Geschichte der Saffāriden, - Feestschrift Nöldeke", Bd. I. 1908, 187; همانجا: Bāmiyān. 1906, 187.*

۱. (در منن عربی بد، البذ آمده: درباره محل شهر و معادل صورت نوشتاری نام الر (بلاذری: الرور) نک: *Hudud al- 'Ālam. "The Regions of the World". A Persian Geography 372 A.H. - 982 A.D. transl. and explained by V. Minorsky. With the preface by V. V. Bartold (1930) transl. from the Russian, London, 1937 (GMS Nr. XI). 246.*

۲. برای بررسی کامل منابع موجود درباره کیش‌های رایج در آسیای میانه و شرق ایران در قرن اول اسلامی نک: А.М. Беленицкий, Вопросы идеологии и культов согда по материалам пянджикентских храмов. (مسائل ایدئولوژی و کیش‌های سغد بر اساس مواد به دست آمده از (Сб "Живопись древнего пянджикента", М. 1954.; B. Spuler, *Iran in früh islamischer Zeit. Politik, Kultur, Verwaltung und öffentliches Leben zwischender arabischen und der seld Schukischen Eroberung 633 bis 1055*, Wiesbaden, 1952, 217 sq.

درباره گسترہ بودبسم در آسیای مرکزی و شرق ایران و تأثیر آن بر فرهنگ این مناطق نیز نک: Б.Я. Ставицкий. Средняя Азия. Индия. Рим (К врпросу международных связях в кушанский период) (آسیای مرکزی، هند، رم وسائلی درباره ارتباط‌های بین‌المللی دوره (کوشانیان))، К. Струве и Г. М. Бонгард-Лезина, М., 1964.; В.В. Струве и Г. М. Бонгард-Лезина, М., 1964.; (نتایج مهم حفاری‌های قره‌تپه در ۱۹۶۱-۱۹۶۲), В.В. Струве и Г. М. Бонгард-Лезина, М., 1964.; А.М. Беленицкий, Историческая Топография герата XVII. in: Алишер навои. Сб. статей под ред. А.К. Боровков. М. – Л., 1946.